

یادداشت  
شهاب‌الدین بنایان | پژوهشگر مسائل فرهنگی

### بایدهای پاسداری از زبان و ادب پارسی



مانایی‌هیویت‌ملل به بر‌خورداری از مؤلفه‌های وحدت‌بخش و میزان تلاش آحاد آن جامعه برای صیانت از فرهنگ و تاریخ‌شان، گره خورده‌است. جامعه‌ای که فاقد این دو محور مهم و اثرگذار باشد، نخواهد توانست از خود، نام و آوازه‌ای نیک به یادگار گذارد و در پیچ و خم روزگارن، به ماندگاری دست یابد. از جمله ضرورت‌های پاسداشت هویت فرهنگی، اهتمام به حفظ ریشه‌های ارزشمند زبانی است. به‌راستی کدام عامل اتحادآفرین باعث می‌شود تا ایران عزیز ما با وجود تنوعات فراوان فرهنگی، اقلیمی و... از گزند فتنه‌ها مصون بماند و تلاش‌های دشمنان در شکستن سد آهنین همبستگی ملی ایرانیان، نتیجه ندهد؟ اگر جواب پرسش پیش گفته را از بنده جویا شوید، پاسخ می‌دهم: آنچه تاکنون ایران موحد و متحد را طی اعصار مختلف از خطر نابودی نجات داده، در وهله نخست؛ اعتقادات آیینی و اصالت‌های فرهنگی مردمان

این سرزمین تاریخ‌ساز بوده است. ملتی که در دین و زبان، مشترکات فراوان دارند و از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب، به سوی یک قبله نماز می‌گذارند و عموماً با لهجه‌هایی متفاوت اما زبانی واحد سخن می‌گویند، پایدنگی خویش را در آیینه درخشان فردا و فرداهای دیگر، رقم زده‌اند. هدف اصلی‌ام از نگارش این سطور؛ متذکر شدن هجوم سنگین فرهنگ مهاجم به واژگان ادب معاصر ماست. می‌دانیم که بنیادهای متعدد فرهنگی و به‌ویژه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با بهره‌مندی از توان اساتید فاضل و کارآزموده در خط‌مقدم مقابله با طوفان هجمه‌ها، کاری دشوار و مسئولیتی سترگ برعهده دارند اما تحولات پرشتاب اجتماعی، از آئینان وسعت و دامنه نفوذی برخوردار است که هرگونه تحلیل اشتباه و تصمیم دیر هنگام و خطا، به شرایطی سخت‌تر می‌انجامد. البته پالایش زبان فارسی از تمام کلمات وارداتی، میسر نبوده و متولیان امر نیز چنین خواسته‌ای را مطرح نمی‌کنند، ولی استمرار وضع موجود هم، به دلایل گوناگون قابل تحمل و تداوم نیست. مردم و مسئولان، خطر قریب‌گسست فرهنگی را جدی بگیرند و از یاد نبرند که نفوذ فرهنگی انگلستان در شبه‌قاره هند، میلیون‌ها فارسی‌زبان را از پی‌گیره ادبیات جهانی ما جدا کرد و به اسارت در زیر بیرق زبان استعمارگران غربی درآورد! دلسوزان ایران و زبان رسمی و تاریخی آن، از شنیدن زمره‌های ناصواب اندک پارسی‌ستیزانی که رفتارهای زشت‌شان با چاشنی برخی شعارهای واهی تجزیه‌طلبانه همراه شده است، سخت منزجر و ناراحت هستند و این عامل نگرانی را بارها با اولیای امور در میان گذاشتند که خط‌قرمز ایران و هر ایرانی، تعدی بی‌گانه‌ستایان به زبان و فرهنگ اصیل چند هزار ساله آنان است. لذا نباید اجازه داد که با هر دلیل و عنوان به این کنج گران معانی، دستبرد زده شود. آیا از عتبرکده زمان و ادبستان تاریخ، تجربه‌نی‌اندوزیم و باز هاجره می‌دهیم تا عمق فاجعه تحقق یافته در هند، پاکستان، کشمیر، بنگلاداش و... به لحاظ فراموشی عمدی یا سهوی دستاوردهای فرهنگی و تمدنی ما ایرانیان تکرار شود؟! اکنون هزاران جلد از مخطوطات و سایر کتب ارزشمند نویسندگان فارسی‌زبان در کتابخانه‌های هندوستان موجود است اما مخاطب قابل توجهی برای مطالعه و بهره‌برداری از آن گنجور وجود ندارد. آیاتوان محدود را برزنی فرهنگی ایران و دیگر انجمن‌های مردمی، تکاپوی احیای فرهنگ دیرپا و حفظ میراث به‌جای مانده از آن دوران پرشکوه را می‌کند؟! امید است تا گوش شنوایی برای شنیدن استمداد «ادب پارسی» پیدا شود.

### اظهارات وزیر ارشاد درباره برخورد با کتابسازان

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه بازدید از بخش ناشران عمومی سی‌وششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران درباره مسأله تولید داخلی کاغذ اظهار کرد: کاغذی که در آن کارخانه کاغذ تولید شده بود، نیازهای حوزه نشر را خیلی پوشش نداد. از طرف دیگر، ناشران هم خیلی از تولید آن کارخانه و کاغذی که عرضه شد، استقبال نکردند. پیشنهادی که ما به دولت منتقل کردیم

در این دنیا مشخص می‌کند، بلکه زادگاهی به نام ایران یا ایران ویج را مقدس می‌شمارد؛ زیرا این سرزمین، زادگاه فردی است که باید مأموریت نهایی خود را، یعنی پیروزی در مسیر عشق و حقیقت، به انجام رساند. می‌بینیم که براساس گاهان، ما با یک صورت کهن از روایت هویتی روبه‌رو هستیم. اگر بخواهیم مقایسه‌ای انجام دهیم، می‌توان گفت که اشوزرتشت در این متون کهن تغییراتی ایجاد کرده و آنها را روزآمد ساخته است. جانشینان این پیامبر، میراث یا حتی متون کهن پیش از او را دریافت کرده‌اند و دوباره با توجه به زمانه خود، آنها را با کلام اشوزرتشت تطبیق داده‌اند و اوستای نو را پدید آورده‌اند. به عبارتی، گات‌ها یا همان سروده‌های اشوزرتشت، با مفاهیم کهن خویشاوندی دارند اما زبان آنها به نسبت گاهان، زبانی نو و روزآمدتر است.

اشوزرتشت، با مفاهیم کهن خویشاوندی دارند اما زبان آنها به نسبت گاهان، زبانی نو و روزآمدتر است. وجود خود اوستا در دو بخش کهن (اوستای گاهانی) و نو (اوستای جدید) به ما نشان می‌دهد که جامعه ایرانی از دیرباز صاحب یک کلان‌روایت بوده که در این متون پدید آمده و نمود یافته و هر بار، چه توسط اشوزرتشت چه جانشینان او،

این کلام و روایت با زمانه هماهنگ و روزآمد شده است. در حقیقت، راز پایایی و مانایی هر تمدن، به‌ویژه تمدن ما ایرانیان، در همین توانایی نهفته است که بتوانیم میراث خود را به خوبی درک کنیم و آن را با شرایط زمانه سازگار سازیم. جالب آن‌که این فرآیند در طول تاریخ ما بارها تکرار شده و هویت ما را شکل داده است.

#### شهدا؛ تجلی فرهنگ ایرانی

اگر ما مفهوم شهرداری و قدرت مبتنی بر اشه را درک نکنیم، متأسفانه فرهنگ ما صرفاً به یک حالت رمانتیک و احساسی تقلیل می‌یابد. آنچه هویت ما را می‌سازد، نه فقط زبان و تاریخ‌مان، بلکه تجلی یک چیز بزرگ‌تر، یعنی همان کلان‌روایت است. این کلان‌روایت، همان رسالت است. آنچه امروز به عنوان میراث زبانی، فرهنگی و آثار تمدنی داریم، ارزشمند است اما نه به‌خودی‌خود. اینها مقدس نیستند، بلکه به دلیلی ارزش دارند. هر سنگ تخت جمشید به‌تنهایی ارزش ندارد؛ ارزش آن به هنر و معماری‌اش نیست، بلکه به این دلیل است که این مکان، درگاهی و بارگاهی برای ایجاد همدلی و همزیستی ملت‌ها و انسان ها بوده است. این سند تاریخی نشان می‌دهد که همه در کنار

این است که با توجه به شرایطی که در حوزه کاغذ پدید آمده، ترمیم جبرانی صورت بگیرد. این ترمیم جبرانی، به اعتباری بارانه کاغذ خواهد بود. نامه این موضوع زده شده و جلساتش هم در حال برگزاری است. وزیر ارشاد در پاسخ به پرسش ایسنا درباره وجود خلأ قانونی در حوزه برخورد با کتابسازی گفت: ما در این بخش مشکل قانونی نداریم. این موضوع نیز مشابه بقیه چیزها، حقوق مالکیتش روشن است. در مراحل

بعدی به عنوان قاچاق کتاب باید با آنها برخورد بشود. در دوره قبل تلاش کردیم با یک هماهنگی بین اتحادیه ناشران و نیروی انتظامی و حوزه ارشاد یک کمیته سه جانبه ایجاد کنیم که مراحل رایگیری کرده و بلافاصله بعد از این که اولین اخبار از کتابسازی رسید، برای برخورد سراغ شان برویم و به‌نظر می‌رسد همان کمیته و کارگروه می‌تواند درباره آنهایی که کتابسازی و سرقت کتاب دارند، فعال باشد.

# روایت ایرانی از انسان کامل

متون کهن حاکی از آن است که ایرانیان از دیرباز صاحب یک کلان‌روایت در حوزه هویتی بودند

#### انسان الهی ایرانی

اگر بخواهم خلاصه‌ای از این کلام و روایت را خدمت شما ارائه کنم، باید بگویم که ایرانیان باور دارند انسان در ذات خود، از نور اهورا و از وجود خداوند سرچشمه گرفته است. اهورامزدا انسان را در زمانی آفرید که احساس کرد جهان در معرض تهدید تاریکی و اهریمن قرار گرفته است. او دریافت که آینده جهان با چه چالش‌هایی روبه‌رو خواهد شد و برای مقابله با شر و تهاجم اهریمن، موجودی به نام انسان را پدید آورد. از این‌رو، در تفکر و روایت ایرانی، انسان موجودی است دارای رسالت؛ رسالتی که همان پیروزی خیر بر شر است. انسان ایرانی در برابر هستی، مسئول است و این مسئولیت، یک تعهد عمیق به هستی را در او ایجاد می‌کند. برای انجام این مسئولیت، انسان ایرانی به سرزمینی نیاز دارد و آن سرزمین، ایران است. مفهوم ایران به معنای سرزمین نجیبان، آزادگان و بزرگ‌زادگان است؛ سرزمینی برای کسانی که در برابر آب، آتش و خورشید مسئولیت دارند. این عناصر در فرهنگ ایرانی جایگاهی بسیار گسترده و والا دارند. انسان ایرانی برای انجام این مسئولیت و خویشکاری [خودسازی] به دنیا آمده است و باید خود را بسازد؛ چگونه؟ در اینجا مفهومی به نام «آشه» مطرح می‌شود. آشه به معنای نظم کیهانی است؛ نظمی که در سراسر هستی جریان دارد. اگر ما بتوانیم این نظم را درک و براساس آن عمل کنیم، بی‌تردید نیرومند خواهیم شد. در حقیقت، ما زمانی می‌توانیم نیرومند شویم که براساس آشه رفتار کنیم. این مفهوم به ما می‌آموزد که هر کاری باید به زیباترین و درست‌ترین شکل انجام شود. برای مثال، امروز ما می‌توانیم حرکت کنیم و بدن‌مان بر مبنای این نظم عمل می‌کند. اگر ذره‌ای از این نظم خارج شویم، دچار اختلال می‌شویم. این نظم همان نوروفیزی است که از آن سخن می‌گویند که ما را تجلی حضرت حق می‌داند. به تعبیری، ما می‌توانیم به خداوند نزدیک شویم، چنان‌که در عبارت «لا حول و لا قوة الا بالله» نیز اشاره شده است. به عبارتی، همه اشکال مختلف وجود خدا در هستی جاری است و بر مبنای یک ناموس و نظم حرکت می‌کند.

#### عشق؛ زبونی نیست

ما زمانی می‌توانیم توانا و پویا شویم که براساس اشه عمل کنیم (از توانایی ساده‌ای مانند راه رفتن گرفته تا اداره یک مملکت). قدرت از آن خداست و این قدرت، زمانی در خلق و آفرینش ما پدیدار می‌شود که به این نظم پایبند باشیم. در فرهنگ ایرانی، خلق و آفرینش در حقیقت، نتیجه عمل به اشه است؛ یعنی کردار براساس اشه. در اینجا، یک اختیار به انسان داده شده؛ اختیاری که وارد مفهوم انتخاب می‌شود. انسان اختیار دارد که چگونه از این قدرت استفاده کند. اینجااست که مفهومی به نام «خَشْتیره» یا شهرداری پدید می‌آید. هر انسانی در قلمرو خود یک شهریار است. [همچنان که حافظ (ره) فرمود: شهریار خود باشم... برای مثال، یک پدر در خانواده می‌تواند به عنوان شهریار، قدرت خود را در جهت تعالی خانواده به کار گیرد یا برعکس، آن را در مسیر ویرانی خانواده استفاده کند. در عمل، این مفهوم به دو بخش تقسیم می‌شود: نیک‌شه‌ریار و بد‌شه‌ریار. در فرهنگ ایرانی، مفهوم عشق نیز با عنوان «سپند» مطرح می‌شود. هم خداوند هم انسان، قدرت خود

را برای رفاه و خیر دیگری به کار می‌گیرند و از این‌رو، خودبه‌خود به دیگری احترام و ارادت می‌ورزند. به همین سبب، عشق نتیجه قدرت است، نه زبونی و درمماندگی. انسان زمانی عاشق می‌شود که نیرومند و تواناست و می‌تواند دگرگونی ایجاد کند. دقیقاً؛ عشق در اوج قدرت پدیدار می‌شود. به همین دلیل، اگر شما براساس این اصول عمل کنید، یعنی عاشق هستی شوید، می‌توانید بگویید: «به جهان خرم از آنم که...». این کمال چیست؟ یعنی شما دیگر هیچ چیز کم ندارید. انسان با عاشق شدن به کمال می‌رسد. انسان کامل از کجا در پا‌ها می‌ماند؟ فرض کنید فردی مانند حضرت علی (ع) چرا نام و یادش همچنان زنده است؟ زیرا او براساس اشه عمل می‌کرد.



### ضرورت توجه به تدریس شاهنامه در مدارس

یک شاهنامه‌پژوه بر تدریس شاهنامه برای دانش‌آموزان در مدارس به‌صورت ویژه تأکید کرد.

محمد رسولی، شاهنامه‌شناس که بیش از ۲۰ سال در زمینه شاهنامه‌پژوهی و تالیف کتاب فعالیت دارد، درباره اقدام آموزش‌وپرورش در زمینه نهادینه‌کردن شاهنامه‌خوانی در بین دانش‌آموزان افزود: پژوهشی با عنوان کودک و نوجوان در شاهنامه داریم که مرتبط با نسل دانش‌آموزاست. این شاهنامه‌شناس تأکید کرد: باید بتوان از زمان نوزادی و جوانی درباره شاهنامه با بچه‌ها سخن گفت. باید آموزش‌وپرورش زنگ ویژه‌ای برای شاهنامه‌خوانی اختصاص دهد که متناسب با ذائقه دانش‌آموز باشد. وی همچنین اشاره کرد: شاهنامه برای دانش‌آموزان، مدیران و معلمان تدریس شود؛ شاهنامه یک کتاب اعجاب‌آور است لذا تا کنید می‌شود با تدریس این کتاب، باورهای عمومی در دانش‌آموز در سن کم شکل بگیرد.



### «فیگور»، پارسامقدم اکران شد

مراسم رونمایی و اکران افتتاحیه فیلم سینمایی «فیگور» به کارگردانی پویا پارسامقام و تهیه‌کنندگی مسعود دابی، ۲۲ اردیبهشت با حضور جمعی از هنرمندان، اهالی رسانه، عوامل فیلم و میثم‌زندى، مدیرکل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش فیلم سازمان سینمایی، در پردیس سینمایی چارسو و به همت گروه سینمایی «هنر و تجربه» برگزار شد. پیش از نمایش فیلم، کارگردان فیگور در سخنانی از حمایت‌های گروه هنر و تجربه و همراهی تماشاگران قدردانی کرد و گفت: «زمانی که تماس گرفتند و گفتند فیلمت قرار است اکران شود، به هفت سال قبل برگشتم؛ زمانی که هنوز ۱۰ روز از فیلمبرداری در شهر گنبد باقی مانده بود و فکر می‌کردم تا بهار فیلم آماده نمایش خواهد شد اما حالا پس از گذشت هفت بهار، این اتفاق رقم خورده است.» وی ادامه داد: «فیگور اولین فیلم من است و امروز نخستین نمایش آن. این دو «اولین»، امروز را برای من بسیار خاص کرده‌اند. از تمامی اعضای حرفه‌ای گروه فیلم تشکر می‌کنم.»



### رونمایی از کتاب نویسنده توان‌یاب

کتاب «من دختر قدرتمندی هستم» نوشته فاطمه محمدی‌مغفستان که یک نویسنده نوجوان و توان‌یاب است، این‌کتاب روزگذاشته در غرفه کانون‌پروورش فکری کودکان و نوجوانان در سالن شمالی ناشران کودک و نوجوان سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رونمایی شد. فاطمه محمدی‌مغفستان، نویسنده نوجوان و توان‌یاب یزدی، حدود ۱۰ سال پیش به‌دلیل ابتلا به بیماری نادر «هورکیو»، قادر به هیچ نوع حرکت نیست ولی با این حال به نویسندگی مشغول است. از او کتاب «آرزوی فاطمه و کبوترش» به چاپ رسیده که در هفتمین جشنواره کتابخوانی رضوی رونمایی شد.

